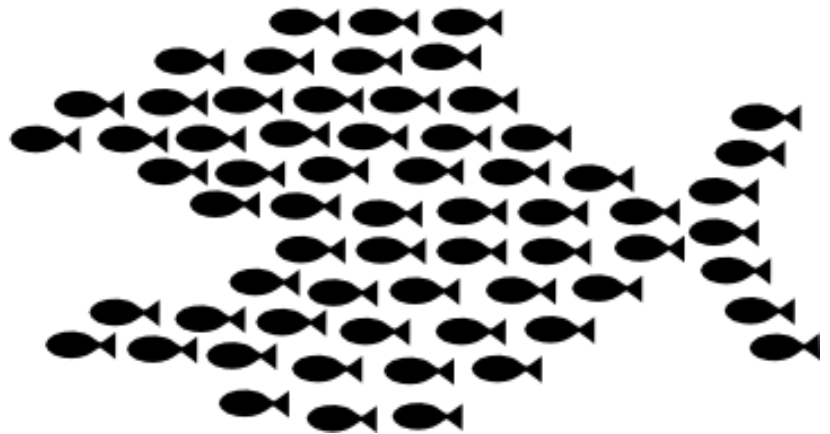
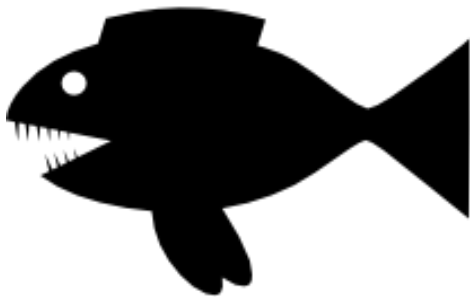


مجمع عمومی کارگران:

چرا و چگونه؟



دفترچه راهنما برای فعالین و آژیتاتورهای کارگری

مجمع عمومی جایی است که هم به کارگر جمعیت می‌دهد، هم یکدستی و یکدلی

نکته قابل تاکید این است که در زیر چنگ و دندان این حکومت هم میتوان مجمع عمومی داشت و نه فقط این بلکه شکل منظم آنها را هم میتوان داشت. این را هم تجربه اثبات میکند و هم عقل و استدلال. باید توجه کرد که مجمع عمومی جایی است که کارگر با همه هیبت خود ظاهر میشود. جمعیت کارگر یک دست و یک دل برای سرمایه دار و نوکران آنها پدیده ای ترسناک است، چیزی که نمی تواند خود را بی گذار به آب بزند و نسنجیده عمل کند.

بالاخره باید روزی برسد که هر کارگری بتواند خود را هم با مکان خود در سازمان تولید، و هم با امکان خود در سازمان کارگران معرفی کند و بگوید: من فلانی، بافنده کارخانه نساجی و عضو کمیته روابط خارجی شورای کارخانه.

محتوای جزوه بر اساس سه نوشته از خسرو داور از سالهای 1361—1362 تنظیم شده است.
اصل مقالات متعاقبا در سایت ”علیه بیکاری“ در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

تهیه و تنظیم : مصطفی اسدیپور و سیوان رضایی از نهاد ” علیه بیکاری“

مهر ماه 1398

مجمع عمومی منظم و سازمان یافته

| صفحه | |
|------|---|
| 2 | مقدمه |
| 4 | در کله یک فعال جنبش مجمع عمومی |
| 5 | شورای واقعی کارگران فابریک چیست؟ |
| 6 | دولت دولت است، خدا که نیست! |
| 7 | مجمع عمومی: لب کلام (و یک مقایسه) |
| 8 | نقطه عطف جنبش مجمع عمومی در فابریک ما |
| 9 | از مجامع عمومی "خود بخودی" جاری تا مجامع عمومی منظم و سازمان یافته |
| 10 | مجمع عمومی کارگری باید منظم و با تعداد هر چه بیشتری از کارگران برگزار شود |
| 10 | تدارک، تدارک و باز هم تدارک خوب و از پیشی جلسات مجمع عمومی |
| 11 | تکلیف پیشنهادات، رای و رای گیری چطور تعیین میشود؟ |
| 12 | هنر خنثی کردن تلاشهای عوامل کارفرما و دولت در مجمع عمومی |
| 13 | رئیس جلسه خوب داشتن یک نعمت است |
| 13 | دست از کله شقی بردارید، لطفا! |
| 14 | ماجرای موردی بودن نمایندگان مجمع عمومی خیلی مهم است |
| 14 | دمکراسی، رای، اتوریته، نظم و این حرفها ... |
| 15 | رادیکالیسم، ماجرا جویی و واقع بینی |
| 16 | "چه خوب شد که این جلسه را برگزار کردیم" |

تشکل و سازمان یابی طبقه کارگر

| | |
|----|---|
| 4 | تشکل و ارگانهای توده ای طبقه کارگر |
| 7 | طبقه کارگر تنها به قدرت متشکل خود ایمان میاورد |
| 8 | روحیه و اشتباهات مبارزاتی و تشکل یابی در میان طبقه کارگر |
| 9 | چه کسی گفته ایجاد تشکل علنی کارگری منوط به اجازه نامه دولت است؟ |
| 11 | طبقه کارگر باید اعتماد بنفس خود را بازیابد |

در کله یک فعال جنبش مجمع عمومی کارگران

کارگران سراغ گرفت که به ضرورت انجام این کار واقفند و میتوانند دیگران را نیز به منافع این همبستگی متشکل قانع کنند و بعلاوه به اندازه کافی انرژی و پیگیری و همت در وجودشان هست که در نیمه راه خسته نشوند. اینها باید بکمک یکدیگر آتش خواست تشکیل مجمع عمومی را در میان کارگران کارخانه گرم نگه دارند. یعنی اینکه کاری کنند که کارگران اینهمه گرفتاری و بدبختی را که از آسمان و زمین بر رویشان میبارد با متحد شدن در مجمع عمومی بعنوان یک قدم موثر – و بلکه موثرترین قدم در حال حاضر – در پاسخ گویی به این مسایل که مسائل مشترک همه آنها است ربط بدهند و بطور دائم در صدد فراهم کردن امکانات و فرصتی باشند که در مجمع عمومی یاران هم سرنوشت خود حضور یابند و مشترکا فکری برای گرفتاریها بکنند.

بحث بر سر فعالین کارگری جنبش مجمع عمومی کارگران است.

این دفترچه تلاشی است برای اینکه عصای دست این فعالین قرار بگیرد.

ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی کارگری ممکن و در پیشبرد منافع و اعتراض تنها ابزار موثر است، اینرا همان موارد مجمع عمومی هایی که کارگران بنا به تجربه عملی و شم مبارزاتی-طبقه‌ای خود در دل همین شرایط تشکیل داده اند بروشنی نشان داده است. امروز بحث از سر امکانپذیری مجامع عمومی بیجاست. همه میدانند که هیچ چیز به صرف امکان پذیر بودن خودبخود روی نمیدهد.

برای اینکه کارگران بطور جدی با خواست تشکیل مجمع عمومی بسیج و متحد شوند نیروی محرکه لازم است. این نیرو، گاه از بیرون با تحریک کارفرما و دولت یعنی با پا گذاشتن آنها روی بخش دیگری از منافع کارگران وارد عمل میشود و معمولا هم کارگران با اجتماع وسیع خود به عکس العمل وادار میشوند.

اما برای اینکه تشکیل مجمع عمومی به ابتکار کارگران و برای پیشبرد امر آنان باشد، لازمست است که منشاء این نیروی محرکه در درون خود کارگران باشد. مثل همیشه این نیروی محرک و بسیج کننده را باید نزد عده ای معدودتر از

تشکل و ارگانهای توده ای طبقه کارگر

ما، بجای دوا بر دولتی قدرت ارگانهای شورایی ما. پس مبارزه طبقه کارگر برای رسیدن به چنین روزی در همان حال مبارزه برای ساختن ابزارهای تشکیلاتی ای است که طبقه کارگر برای مبارزه بر سر قدرت، کسب و حفظ قدرت به آن نیاز دارد. بدون این ارگانها ایمان به قدرت طبقه کارگر صرفا ایمانی قلبی خواهد ماند.

ارگانهای قدرت توده ای طبقه همراه با جوش مبارزه ساخته میشود و جنبش مجمع عمومی به این کشش و کوشش طبقه کارگر تعلق دارد.

وقتی میگوئیم کارگران باید برای کسب قدرت به نیروی مستقل خویش بپاخیزند، باید در عین حال طبقه کارگر را برای ساختن ابزار این کسب قدرت نیز به حرکت درآورد. طبقه کارگر برای انهدام قدرت سیاسی بطور کلی بیانمیخیزد، این شعار آناشست ها است. طبقه کارگر برای انتقال قدرت به خود و متحدان خود مبارزه میکند. و انتقال قدرت به طبقه کارگر و متحدان او معنایی جز انتقال قدرت به ارگانهای رهبری کننده و و ارگانهای قدرت توده ای طبقه کارگر و متحدانش ندارد. قدرت تنها میتواند به طبقه کارگر متشکل منتقل شود و لذا طبقه ای برای کسب قدرت بپا میخیزد که خود در جریان متشکل کردن خود به مثابه آلترناتیو و قدرت باشد.

کارگران ایران زمانی واقعا قدرت سیاسی را در دسترس خویش خواهند دید و حرکت قهرآمیز خود را برای تسخیر آن آغاز خواهند کرد که بتوانند بروشنی بگویند بجای دولت بورژوایی دولت ما، بجای مجلس بورژوایی کنگره شوراهای

شورای واقعی کارگران فابریک چیست؟

تصمیماتی که به تصویب اکثریت کارگران در مجمع عمومی رسیده باشد مصوبه شورای کارگران کارخانه نامیده میشود. در کارخانه های بزرگ و صناعی که پراکندگی واحدهای مختلف آن و یا خصلت تولید در آنها برگزاری جلسات مجمع عمومی کل کارگران را مشکل یا غیرممکن می کند، شورا نمی تواند مجمع عمومی کارگران باشد. اما در اینجا روح مسئله تغییر نمی کند. ما خواهان ارگان و ابزار اعمال اراده کل کارگران فابریک هستیم. بی تردید در این گونه صنایع و کارخانجات مجمع عمومی کارگران قسمت، بخش یا شیفت آن می تواند تشکیل داده هر کارگری از کارخانه همانند کارگاه های کارخانه کوچک عضو شورای قسمت، بخش یا شیفت خود باشد که همان مجمع عمومی کارگران بخش است. در این حالت شورای مرکزی کارخانه عبارت خواهد بود از "شورای نمایندگان کارگران". این شورای نمایندگان، متشکل از هیئت های نمایندگی گوناگونی که هر یک شورای کوچکتر (قسمت یا شیفت و غیره) را نمایندگی می کنند. این هیئت های نمایندگی که شورای مرکزی نمایندگان کارگران را بوجود می آورد، به شیوه ای دموکراتیک در جلسات رسمی شورای کوچکتر انتخاب می شود. حدود وظایف و اختیارات آنها از جانب انتخاب کنندگان تعیین می شود و هر گاه همان انتخاب کنندگان اراده کنند آنها را معزول یا تعویض خواهند کرد.

شورای کارگران کارخانه که ما خواهان آن هستیم در درجه اول عبارت است از سازمان توده کارگران کارخانه یعنی سازمانی که کل کارگران فابریک را در بر می گیرد. وقتی از سازمان سخن می گوئیم مجموعه از انسان ها را در نظر گرفته ایم که به خاطر پیشروی به سوی اهداف مشترک گرد آمده اند و برای تسهیل این پیشروی در بین خود تقسیم کار کرده اند و هر عضو این سازمان و وظایف خود را در ارگانی از سازمان و در رابطه تعریف شده و مشخص با سایر ارگان ها و افراد سازمان انجام می دهد و این مجموعه در کلیت خود به سمت اهداف مشترک پیش میرود.

با ارائه اولین تعریف مشخص کردیم که شورای واقعی سازمانی که کلیه کارگران فابریک را در بر می گیرد. هدف مشترک اعضای این سازمان عبارت است از تصمیم گیری و شور درباره معضلات و مسائلشان به شیوه ای دموکراتیک، و کوشش در جهت اتخاذ تصمیمات با تکیه بر نیروی اعضای سازمان یعنی کارگران فابریک. به عبارت دیگر، شورای واقعی ارگان اعمال اراده کارگران آن فابریک است. بدون شک وقتی از اراده و تصمیم کارگران صحبت می کنیم در عمل اراده اکثریت و تصمیم اکثریت مورد نظر ماست و لذا حاکمیت دموکراسی در درون سازمان و تبعیت ارگان های سازمان از تصمیمات اکثریت ضروری و واجب است. عالی ترین عنوان تصمیم گیری شورا مجمع عمومی اعضای آن یعنی مجمع عمومی کلیه کارگران فابریک است. در تمام فابریکهایی که امکان انعقاد جلسات مجمع عمومی کلیه کارگران وجود دارد. شورای کارگری، یعنی مجمع عمومی متشکل و سازمان یافته کارگران و تنها آن

دولت دولت است، خدا که نیست!

نماینده اراده کارگران نباشد چون کارگران بلاواسطه و با تساوی کامل حقوق در آن شرکت دارند. این تشکلی است که نمی تواند چیزی جز خواسته کارگران را بخواهد، نمی تواند سازش کند بی آنکه خود کارگران سازش کرده باشند. مجمع عمومی کارگران کارخانه جایی است که در آن عضو هم تصمیم می گیرد هم مجری تصمیمی که خود در اتخاذش شریک بوده است.

مهمتر اینکه مجمع عمومی کارخانه تشکلی است که به خاطر هم سازمان بودن اعضایش در سازمان دیگری که سازمان کار و تولید در همان کارخانه است به حربه تهدید اقتصادی به طور بلاواسطه مسلح است. نقطه قدرت کارگران وقتی متحد باشند این است که قادر هستند تولید را متوقف کنند و پول و سود را بر روی سرمایه را ببندد. هر گاه کارگران به آن درجه از اتحاد دست یابند که به یک تهدید جدی و واقعی تبدیل شوند سرمایه داران از در احترام و خواهش و تمنا وارد بحث با کارگران می شوند.

اگر کارگران یک کارخانه در مجمع عمومی سازمان یافته متشکل شده باشند آنوقت برای استفاده مناسب از این نقطه قوت خود در بهترین و مناسب ترین موقعیت قرار گرفته اند. برای همین است که دولت و کارفرمایان و نوکرانشان نمی توانند در مقابله با این شکل آرایش کارگران بی گذار به آب بزنند. اعضای این تشکل را نمی توان به راحتی از روی صندلی شان بلند کرد و به بازداشتگاه کمیته فرستاد، چرا که در آن صورت تولید متوقف می شود و معمولاً یعنی صحبت چند میلیون تومان ضرر. با کارگری که به رگ تولید چنگ اندخته باشد باید با مدارا رفتار کرد. اینرا هر سرمایه داری می داند و خودش میتواند به جوجه پاسدار تازه استخدام شده حالی کند.

دولت دولت است نه آنطور خدایی که به قول معلم های فقه و شریعات به مجرد اراده امرش حاصل شده باشد. بین خواستن و توانستن دولت - هر اندازه که قهار باشد- فاصله ای است که آن را باید پراکتیکش پر کند. خیلی چیزها هست که دولت می خواهد اما توان به دست آوردنشان را ندارد، و خیلی چیزهای دیگری هست که دولت نمی خواهد اما برخلاف میلش به او تحمیل میشود. دولت هیچ اعتصابی را برسمیت نمی شناسد اما به طور واقعی روی می دهد. به این ترتیب ابداً مجاز نیستیم عملی بودن یک خواست کارگری را با این استدلال که دولت با تحقق آن مخالفت خواهد کرد، منتفی بدانیم. صحبت بر سر "امکان پذیری" در دل یک کشمکش است که حاصل آن را نه فقط خواست دو طرف، بلکه توانایی شان در تحمیل خواسته ها تعیین می کند.

سوال این است: آیا ایجاد نوعی تشکل کارگری در موقعیت کنونی که بشود وجود آن را به دولت ضد کارگری تحمیل کرد، میسر است؟

جواب صحیح: اگر تشکل مورد نظر مجمع عمومی سازمان یافته و منظم در کارخانه باشد، پاسخ ما قطعاً مثبت است. معنی "اگر" این است که ما بسیاری از اشکال دیگر سازمان های کارگری را در توازن قوای فعلی متناسب نمیدانیم. پیش شرط دستیابی به تشکلات عالی تر و فراگیر توده ای- کارگری از نظر ما همین سازمان یابی فابریکی و تحکیم صفوف کارگران صنعتی ایران در محل کار است.

سوال اینست: چرا سازماندهی مجامع عمومی منظم در کارخانه عملی است؟

جواب صحیح: پاسخ در ویژگی منحصر به فردی است که مجمع عمومی سازمان یافته، در تمایز با سایر اشکال سازمان یابی علنی کارگران دارد. مجمع عمومی کارخانه جایی است که بنا به تعریف دربرگیرنده همه کارگران کارخانه است. جایی است که کارگر مستقیم خودش را با حضور خودش نمایندگی می کند. این پر عضو ترین تشکلی است که می توان در کارخانه داشت. به علاوه این تشکلی است که نمی تواند

مجمع عمومی : لب کلام (و یک مقایسه)

شورا برخلاف حزب سندیکا و سازمان‌های دیگر که آنان نیز نشست عمومی اعضا یا کنگره را به بالاترین مرجع تصمیم‌گیری خود می‌دانند، این مجمع عمومی یک نهاد نیست، بلکه یک ارگان است، و اتوریته آن از این اجلاس تا اجلاس بعدی به هیچ ارگان دیگری سپرده نمی‌شود و همیشه در خودش می‌ماند.

هیئت مدیره (یا به عبارت دیگر هیئت رئیسه) شورا به هیچ وجه نمی‌تواند از جانب شورا تصمیم بگیرد و اتوریته آن همانند اتوریته سایر ارگان‌های اجرایی در همان چارچوب و در همان حیطه معنا دارد که شورا تعیین کرده است.

مجمع عمومی پیکره اصلی شوراهای واقعی کارگری است. هدف این است که از طریق سازماندهی کارگران در مجمع عمومی دخالت هر چه بیشتر و هر چه مستقیم‌تر کارگران را به امور مربوط به خودشان تامین کنیم و با تلاش پیگیر ما بالاخره باید روزی برسد که هر کارگری بتواند خود را هم با مکان خود در سازمان تولید، و هم با امکان خود در سازمان کارگران معرفی کند و بگوید: من فلانی بافنده کارخانه نساجی عضو کمیته روابط خارجی شورای کارخانه!

این است آنچه ما از سوی شوراهای واقعی فابریک مثابه یک سازمان می‌خواهیم. شورای واقعی فابریک، مجمع عمومی متشکل کارگران است که از یک سو به نحوی دموکراتیک سازمان یافته مستقیم‌ترین وضعیت را برای شور و مشورت و تصمیم‌گیری آنان فراهم می‌کند و از سوی دیگر خود سازمانی است که به بهترین نحو از توان و استعداد و قابلیت کارگران در جهت تحقق تصمیمات و اراده خود آنها بهره می‌گیرد.

طبقه کارگر تنها به نیروی متشکل خود ایمان می‌آورد

میدانند رهایی از چنگال ستم و استثمار سرمایه داری بطور کلی و خلاص شدن از شر وجود این حکومت تنها به قوه طبقه کارگر میسر است، اما حتی همین کارگران نیز قدرت طبقه کارگر را لمس نکرده و چه بسیاری به نیروی طبقات دیگر دل خوش کرده‌اند. قدرت طبقه کارگر یک امر ذهنی نیست و ایمان به آن ایمان قلبی نیست. قدرت طبقه کارگر قدرتی نیست که به محض آنکه افراد کارگر به وجود آن پی ببرند آن را در دست خود احساس کنند. قدرت برای کارگران معدنی است که باید استخراج شود. قدرت طبقه کارگر قدرت متشکل اوست و تا طبقه کارگر ابزار به جریان انداختن استفاده از آن را نساخته باشد، قدرتی بالقوه است که هنوز ماهیت و وجود خارجی ندارد.

این گفته درست است که کارگران به دلیل عدم آگاهی و ایمانشان به قدرت خود در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار، در دفاع از معیشت و حقوق بر حق خود، در مبارزه برای جایگزین کردن آن با حکومتی که پاسدار اهداف انقلابی کارگران باشد دچار وادادگی به عقب‌نشینی شده‌اند. اما واقعیت این است که نباید ایمان و آگاهی کارگران به قدرت طبقاتی‌شان را صرفاً در جنبه ذهنی و اعتقادی آن در نظر بگیریم و برای حل آن سراغ ذهن کارگران برویم.

اصل بر این است آگاهی و ایمان کارگران به قدرت خود به خود جنبه بسیار مهم تشکیلاتی نیز دارد. قدرت طبقه کارگر قدرت متشکل او است و کارگران به قدرت متشکل خود ایمان می‌آورند. بوده‌اند و هستند کارگران بسیاری که در ذهن خود به پیروزی نهایی طبقه کارگر ایمان داشته و دارند، و یا حتی

نطفه جنبش مجمع عمومی در کارخانه ما ...

فراهم شده است که می‌توان به ثمر بخشی حرکت امیدوار بود. بخش حیاتی از کار که متحد کردن نیروی پیشروان است در بستر روابط برادرانه و محفلی روی می‌دهد. این فعالیتها و روابط از گزند مزاحمت های پلیسی در امان است و به این دلیل سرنوشت حرکت برای گسترش مجمع عمومی بیش از هر چیز به پیگیری و خستگی ناپذیری کارگران کمونیست وابسته است. باید روابط برادری و صمیمیت را میان خود و کارگران دیگر گسترش بدهیم، باید با اتکا به روابط محفلی و گسترش ایده های طبقاتی و کمونیستی و منسجم کردن این طیف از کارگران و ویژگی های این توافق جدی ترین و قوی ترین کارگران در این مجموعه را برای عمل مشترک در خدمت سازماندهی مجمع عمومی جلب کنیم.

در کارخانه شما چند نفر کارگر هست که به لحاظ خلق و خو و اخلاق و فضایل شخصی شان می‌توانید با آنها رابطه ای واقعا برادرانه داشته باشید؟ رابطه ای آنقدر نزدیک و صمیمی و محکم که بشود در آن حق برادری را به درستی ادا کرد. در میان این دست برادران چه تعداد در مورد مسائل اصلی و گرهی مبارزه طبقاتی راه رهایی طبقه با شما توافق دارند و یا می‌توانند به سرعت این توافق نظر را به دست بیاورند؟ اگر با این دسته اخیر به توافق برسید که کاری نقشه مند و مشترکی را برای متحد کردن کارگران مثلاً در مجمع عمومی کارخانه در دستور بگذارید و پی بگیرد آنگاه به طور واقعی یک نطفه جنبش مجمع عمومی در میان کارگران پیشرو در کارخانه شما در حال فعالیت است و شرایط پیشرفت ایجاد مجمع عمومی

روحیه و اشتیهای مبارزاتی و تشکل یابی در میان طبقه کارگر

فشار خواهند کرد؟ اگر بداند خانواده او به هزینه تحمیلی به سرمایه داران، به همت رفقای متشکل در ده ها شکل دیگر کارگری تامین خواهد بود؛ و اگر بداند جای خالی او در صحنه مبارزه توسط تشکیلات او پر خواهد شد و مبارزه افت نخواهد کرد. چه کسی از سینه سپر کردن در برابر بیدادگاه سرمایه میهراسد اگر بداند چنانچه که یک مو از سرش کم شود رفقای او با ابزار تشکل و مبارزه متشکل چرخه تولید را متوقف خواهند کرد، حلقوم سرمایه‌داری و دولت آن را خواهند فشرد و جنایتکاران را به سزای عمل خودشان به صلابه خواهند کشید؟ در مبارزه کارگری و انقلابی ترس همزاد جهل و تفرقه است هر کارگری که دورنمای روشنی برای مبارزه نبیند، هر کارگری که از بستر اصلی قدرت خود، از همبستگی و تشکل طبقاتی خود دور بیفتد، کارگری که در مقابل هجوم سازمان یافته بورژوازی خود را تنها بباید، حتی دل شیر هم داشته باشد عقب می‌نشیند، خود را جمع و جور می‌کند، آهسته می‌رود و آهسته می‌آید. اما کارگر متشکل، کارگری که جزیی از یک صف متشکل و به هم پیوسته کارگری است در مقابل سرکوب تمکین نمی‌کند، از حرکت و مبارزه باز نمی‌ایستد.

باید بر نقطه ضعف طبقه کارگر در تشکل فایق آمد.

روحیه مبارزاتی و شهامتی که کارگران در طول انقلاب از خود نشان دادند محدود به دوره های اوج گیری جنبش انقلابی در جامعه نیست. تشکل و تشکیلات انقلابی کارگران به این روحیه در نزد کارگران خصلتی دائمی میبخشد. کسی که خود را جزئی از یک مبارزه زنده، جزئی از یک مبارزه متشکل با دورنمای پیروزی بداند هراسی به دل راه نمی‌دهد. چه کسی از اخراج و زندان می‌ترسد اگر بداند رفقای مبارزه دیگر در کمیته کمونیستی کارخانه، در مجمع عمومی و شورای کارخانه، در تشکل های سراسری کارگری و انقلابی، و در حزب طبقاتی او گریبان دولت و کارفرما ها را نخواهند کرد و نه تنها با مبارزه متشکل خویش اخراجی ها و زندانی ها را باز خواهد گرداند، بلکه از آن نمونه ای برای افشای سرمایه داران و دولت ایشان و عرصه ای برای گسترش مبارزه و جلب ده ها و صدها کارگر دیگر به صحنه مبارزه استفاده خواهند کرد؟ چه کسی از زندان و اخراج می‌ترسد اگر بداند تشکیلات سراسری کارگران بر علیه بیکاری مبارزه برای بیمه بیکاری را قاطعانه ادامه می‌دهد و مانع سوء استفاده از کارگران بیکار بر علیه کارگران اخراجی و زندانی می‌گردد؟ چه کسی از زندان و اخراج می‌ترسد اگر بداند کارگران سراسر کشور و حتی کارگران دیگر کشورهای جهان از طریق تشکل های خویش اعمال

از مجامع عمومی "خودبخودی" و جاری تا مجامع عمومی سازمان یافته

عمومی سازمان یافته و منظم در کارخانه‌ها و شورای فابریک شروع می‌شود؛ و ثانیاً، خود این فعالیت در سطح پایه عبارت از تکامل بخشیدن به یک پدیده حی و حاضر و فی الحال موجود و نه خلق نهادی بی سابقه و ناشناخته. از این روست که سازماندهی مجامع عمومی منظم و جدی در کارخانه‌ها را امری ممکن و عملی می‌دانیم و بدیهی است که این کار هم مانند هر عمل مبارزاتی دیگر در خدمت متشکل کردن کارگران به فعالین مصمم و پیگیر خود نیازمند است.

بسیار مهم است همین جا تاکید شود که بکاربردن اصطلاح "مجامع عمومی خودبخودی" با درجات زیادی از مسامحه نسبت به فعالیت فعالین کارگری در برپایی مجامع عمومی جاری همراه است. فشار مادی و سببیت دولت با هر اعتراض کارگری مجال زیادی برای تجمع کارگری توأم با هر درجه از آسوده خیالی که میتواند با کلمه "خود بخودی" تداعی شود را بجا نمیگذارد.

تشکیل شدن مجمع عمومی کارگران هم اکنون در محیط های کارگری در جریان است. مثلاً مسئولان تعاونی‌های کارگری و صندوق‌های مالی کارگری و یا نهاد صنفی دیگر در گزارشی به کارگران و یا کسب تکلیف از این فراخوان عمومی می‌دهد و مجمع عمومی تشکیل می‌گردد. این درست است که میان مجامع عمومی کارگری که به طور خود به خودی در مقام عکس‌العمل در مقابل فشارهای کارفرمایان و دولت تشکیل می‌شود با مجمع عمومی منظم و سازمان یافته که ما به عنوان سنگ بنای تشکل و مبارزات کارگران یعنی شورای کارگری از آن حرف می‌زنیم تفاوت چشمگیری وجود دارد.

اما نکته اساسی و مهم اینجاست که متکی شدن بر این شکل شناخته شده همبستگی مبارزاتی که توده کارگر نیز بارها آن را به طرق مختلف آزموده اند و تجربه کرده‌اند؛ نقطه شروع ما برای ایجاد و سازماندهی مجمع عمومی فراگیر و منظم است. به عبارت دیگر فعالیت ما برای ایجاد سازمان شورای کارگران اولاً از پایین و سازماندهی پایه ترین ارگان آن یعنی مجمع

چه کسی گفته ایجاد تشکل علنی کارگری فقط زمانی امکان پذیر است که دولت آن را به رسمیت بشناسد؟

این اهمیت را ندارد. آنچه برای ما مقدم بر هر چیز مهم است نفس وجود تشکلی است که به اراده توده کارگران وحدت بخشد و آنانرا از تفرقه و انفراد در مقابل دشمنان شان بیرون آورد. ما خوب می‌دانیم که دولت و کارفرمایان به هیچ وجه در حال حاضر وجود تشکلی را که تقویت کننده صدای اعتراض کارگران باشد، حتی اگر این تشکل در چهار دیواری کوچک کارخانه محصور بماند، را نمی‌پذیرد تا چه رسد آنرا به رسمیت بشناسد و یا به آن اجازه فعالیت قانونی بدهد. وقتی ما از عملی بودن ایجاد تشکل مورد نظر خود حرف می‌زنیم عملی بودن ایجاد آن توسط کارگران مد نظر ما است و نه از عملی بودن به رسمیت شناسی آن از سوی دولت و کارفرمایان در حال حاضر.

امکان عملی "به رسمیت شناخته شده تشکل کارگری دولت و کارفرمایان" در بحث کسانی که از تشکل علنی کارگری انتظار دارند که نقش متعارف اتحادیه را به عهده بگیرد، البته جایگاه ویژه تعیین کننده دارد. اگر وظیفه تشکل کارگری این باشد که منطبق بر سنت شناخته شده کار اتحادیه ای به نمایندگی از جامعه کارگران با کارفرمایان و دولت به مذاکره بنشینند، چانه بزنند و در مورد شرایط فروش کار قرارداد دست جمعی با طرف دیگر معامله امضا کند و نظایر اینها، آنگاه رسمیت داشتن از جانب دولت و به بازی گرفته شدن، باواقعیت داشتن آن مترادف است. به بیان دیگر در صورت رسمیت نداشتن بکارگیری چنین تشکلی غیر عملی است. جمهوری اسلامی در قوانین خود به صراحت گفته است که فقط شورای اسلامی را به رسمیت میشناسد.

برای ما برسیت شناخته شدن تشکل کارگری از طرف دولت

مجمع عمومی کارگری باید منظم و با تعداد هر چه بیشتر کارگران برگزار شود

مسائل مالی ندارد؟ کدام کارگر مشکل مسکن ندارد؟ کدام کارگر از خطر دائمی محیط کار مصون است؟ کدام کارگر حرف و فکر تازه در مورد اصلاح وضعیت کارگر، شکل جدیدی از همکاری بین کارگران به ذهنتان نمی رسد؟ می شود حتی در یک روز آفتابی در غیاب هر نوع دعوا و درگیری و کشمکش هم توماری را به تایید کارگران رساند که برای بحث و بررسی پیشنهاد کارگران در مورد اصلاح و بهبود شرایط کار هر هفته هر دو هفته یک جلسه در مکان و ساعت و روز معین هفته تشکیل میشود. میتوان به مدیریت هم اطلاع داد تا ترتیبات لازم که به او مربوط می شود، مثلاً ساعات سرویس ها و کلید سالن ها برای استفاده از آبدارخانه انجام گردد. واضح است که در مقابل مقاومت خواهد شد. اما با جدیت و پیگیری می شود مساله را با راحتی حل کرد. اصلاً با صحبت میشود مار را از سوراخ بیرون آورد. مهم این است که بدانیم این کار لازم است و باید جدی گرفت.

میشود و باید حق کارگر برای تشکیل منظم مجمع عمومی را به کرسی نشاند. در موارد متعدد در کارخانه کارگران کارفرما را وادار کرده بودند که بپذیرد که کارگران هر وقت می خواهند مجمع عمومی داشته و درباره مسائل مشترک شان حرف بزنند و تصمیم بگیرد. در آنجا رسم بر این بود که صرفاً می بایست زمان برگزاری به اطلاع کارفرما می رسید. اساس بر این بود که برای جلسات فوق العاده هم نیاز به کسب اجازه از کارفرمایان نباشد. این ها همه یعنی جا افتادن و محکم شدن سنتی مجمع عمومی؛ که مجمع عمومی باید نهادی منظم باشد. باید پافشاری کرد. نظم پایه و اساس هر تشکل است. با منظم شدن مجمع عمومی همه عملکردهای آن به همراه رفتار همه اعضا در قبال مجمع عمومی پخته می شود و قوام می گیرد. مجمع عمومی تشکل کارگران برای رسیدگی به مسائل مشترک آنها است پس باید به طور منظم و پی در پی تشکیل بشود، چرا که خود مسائل کارگران تمام نشدنی هستند. گذشته از موارد رویارویی مستقیم کارگر و کارفرما، مجمع عمومی می تواند به حل مسائل مشترک کارگران نقشی موثر ایفا کند. کدام کارگر

تدارک، تدارک و باز هم تدارک خوب و از پیش مجمع عمومی

دست میدهند. وگرنه رای اعتماد گرفتن این یا آن را می توان در جلسه دیگر جبران کرد، چرا که مجمع به هیچکس نمایندگی و اختیارات یکساله و دو ساله اعطاء نمی کند و پایین کشیدن ماموران مجمع عمومی در جلسه ای دیگر کاری آسان است. مساله اصلی هنر کارگران پیشرو در رابطه با برپایی مجمع عمومی تثبیت آن بعنوان یک سنت کار متشکل توده ای است. بخش مهم این سنت ها در زمینه سازی برای همسو کردن اعتراض کارگران قبل از شرکت در مجمع عمومی قرار دارد.

دشمنان کارگران نمیتوانند در مقابله با مجمع عمومی بی گذار به آب بزنند و بی هیچ ملاحظه ای از خشونت استفاده کنند. آنها در وهله اول خواهند کوشید با تکیه به نفوذ کلام مبلغین عوام فریبشان قدرت تمرکز یافته کارگران را خنثی و متفرق کند. وقتی مجمع عمومی تشکیل شده باشد موقتا تعادل قوای طرفین در کارخانه به نفع کارگران به هم خورده است. در چنین موقعیتی سرمایه دار و دولت مبلغین خیره خود را به میدان می فرستد. واضح است که در غیاب یک اعتراض از قبل همسو شده و در متن سکوت سخنگویان واقعی کارگران، آنها موفق میشوند به کار مجمع عمومی بی آنکه چیزی نصیب کارگران شده باشد، خاتمه دهند. بزرگترین ضربه بوجود آمده از چنین وضعیتی این است که کارگران اعتقادشان به کارایی مجمع عمومی و یا بهتر است بگوییم اعمال قدرت متحد خود را از

تکلیف پیشنهادات، رای و رای گیری چطور تعیین میشود؟

پیشنهاد رو بنویسه در اختیار بگذارد. پس از شمارش آرا، نتیجه رای گیری با صدای بلند اعلام می شود و روی همان برگه نوشته و تحویل داده می شود تا مثل بقیه مصوبات از آن نگهداری کند که در آینده سر اینکه جلسه چه چیزی را تصویب کرد حرف در نیاید.

اینها هیچکدام وحی منزل نیست. اما آنچه اهمیت دارد این است که بالاخره یک روال تعریف شده و مورد توافق باید در جلسات رعایت شود و مورد احترام باشد تا جلسه به عنوان یک کار دست جمعی جلسات مستمری باشند، راندمان بالایی داشته باشند، انرژی شرکت کنندگان بی جهت در اصطکاک با هم به هدر نرود و مستهلک نشود.

در جلسات تصمیم گیری کسی که پیشنهادی را مطرح می کند وقت معینی در اختیار دارد تا در توضیح و تفهیم پیشنهادش به جلسه و دفاع از آن صحبت کند. بعد مخالف و موافق یک در میان، و از نظر زمانی به اندازه هم، در رد و قبول پیشنهاد صحبت می کند و پس از آن که جلسه تشخیص داد که بحث کافی است، یعنی آنوقت که پیشنهاد کفایت مذاکرات بتصویب رسید، بحث تمام می شود و بلافاصله در مورد پیشنهاد مورد بحث رای گیری میشود. برای اینکه ابهامی برای کسی وجود نداشته باشد که دارد به چه چیزی رای می دهد، پیشنهادی را که قرار است مورد قبول قرار بگیرد را باید از همان اول به طور کتبی به رییس جلسه تقدیم کرد. اگر رفیقی بی سواد باشد خود رئیس جلسه یا کس دیگری می توان

طبقه کارگر باید اعتماد بنفس خود را باز یابد

آگاهی است که هم اکنون مشتاق مبارزه اند. کارگران کمونیست باید پرچمدار حرکت فعلی برای عملی برای سازماندهی کارگران پیشرو و مبارز به منظور جلب توده های کارگر به صحنه مبارزه و اعمال قدرت باشند و در هر گام آن اشکال سازماندهی را که می تواند انسجام درونی نیروهای موجود طبقه را به بهترین وجه تأمین کند، ادامه کاری پیگیری استحکام لازم در عرصه های مختلف مبارزه را به وجود آورد، تعریف و تبلیغ کرده و عملاً برای ایجاد آن دست به کار شوند.

طبقه کارگر باید اعتماد به نفس خود را باز یابد. اما این اعتماد به نفس، نه اعتماد تک تک کارگران به نیروی فردی شان بلکه اعتماد توده کارگر به قدرت متشکل و مبارزه سازمان یافته خویش است. هیچ تبلیغی برای بازگرداندن روحیه مقاومت و مبارزه به توده های کارگر موثرتر از مشاهده استقامت و رشد مبارزه متشکل تشکل های کارگری و پیشروی های عملی آن ها نیست. بنابراین به منظور خنثی کردن سیاست ارباب همیشه یک کلید اساسی وجود دارد و آن متشکل شدن و متشکل کردن آن قشر از کارگران

هنر خنثی کردن تلاشهای عوامل کارفرما و دولت در مجمع عمومی

برای جمع کردن حواس آنها و بسیج فکری کارگران به منظور برگزاری موفقیت آمیز جلسه از پیش زحمت بکشند و کاری کنند که اکثریت کارگران از پیش بدانند که "قرار است در این جلسه چه بکنیم چه مسائلی و چه موضوعی به نتیجه برسیم"

برای تضمین عقیم ماندن تلاش‌های ماموران سرمایه

برای به کنترل درآوردن مجمع عمومی کفایت که هر کارگری به طور غیر رسمی مثلاً پای سفره شام و ناهار و در نزد برادران و خواهران کارگزارش متعهد

هر کارگری باید بداند که قرار است در این جلسه معین مجمع عمومی یقه کدام مسائل کارگری را بچسبد، روی چه موضوعی پيله کند و چه اعتراضی کوتاه نیاید؛ هر کارگری باید بداند که عوامل کارفرما و موجب بگیران دولت در این جلسه چه خواهند کرد

شود، یعنی قول بدهد، که در صورت مطرح شدن بحث‌های انحرافی و ضد کارگری در مجمع عمومی هفته آینده، یک جمله اعتراضی، فقط یک جمله اعتراضی البته غیر خطرناک و غیر تحریک آمیز را در میان جمعیت با صدای بلند بر زبان خواهد آورد.

معنای عملی این تعهد دوستانه و غیررسمی حتی اگر نیمی از کارگران به آن وفا نکند این است که مدافعان کارفرمایان و دولت در جلسه حتی مار خورده ترین آنها با صدها پارازیت اعتراضی مواجه شده و چاره‌ای جز این نخواهند داشت که دمشان را روی کولشان بگذارند و جلسه را ترک کنند.

برای خنثی کردن تلاش‌های نمایندگان سخنگویان سرمایه در مجمع عمومی هنوز ایفای نقش ماهرانه از جانب رهبران عملی در مجمع عمومی لازم می‌آید. برای خنثی کردن نمایندگان و مبلغین سرمایه که بی شک سر و کله شان در همه مجامع عمومی پیدا خواهد شد همسویی توده کارگر در اعتراض و هم صدایی

آنها کافی است. کارگران نباید به جلسه مجمع عمومی به شکل محلی برای زورآزمایی رهبران عملیشان با عوامل کارفرما و دولت نگاه کنند و برای

خودشان نقشه تماشاجی تشویق کننده را قائل شوند. هر کارگری باید بداند که قرار است در این جلسه معین مجمع عمومی یقه کدام مسائل کارگری را بچسبد، روی چه موضوعی پيله کند و چه اعتراضی کوتاه نیاید؛ هر کارگری باید بداند که عوامل کارفرما و موجب بگیران دولت در این جلسه چه خواهند کرد که با لطایف الحیل توجه کارگران و جلسه را به موضوع دیگری حتی شاید موضوع کارگری دیگری، جلب و منحرف کنند و اینکه هر کارگر باید به سهم خود بکوشد مانع انحراف توجه جلسه و ختم بی نتیجه آن شود.

به عبارت دیگر محافل کارگری پیشرو به کمک روابط حسنه و رفیقانه ای که با توده های کارگر دارند نه فقط باید جمع کردن توده کارگران را برای برگزاری مجمع عمومی تدارک ببینند، بلکه به علاوه

رئیس جلسه خوب داشتن واقعا یک نعمت است

برای این کار باید اتوریت ه داشته باشند، کسی باشد که کارگران حرفش را بخوانند. هم تجربه داشته باشد و البته انصاف. نکته مهم این است که باید کمک کنیم که این کار را یاد بگیریم. و بعلاوه سعی کنیم به جای یک رئیس، یک هیات رئیسه، جمع چند نفره برای ریاست جلسه داشته باشیم که هر چه بیشتر به دلیل فوت و فن ریاست مجلس را یاد بگیرند. در جلساتی که بحث ها زیاد قطبی نیست و جناح های مختلف می توانند حرف های همدیگر را تا رسیدن نوبت بعدی تحمل کنند، اداره کردن جلسات کار زیاد سختی نیست. اما وقتی جلسات طوفانی می شود و وقتی نظرات غیر قابل سازش، طرفداران پر حرارت پیدا میکند، رئیس جلسه ورزیده نقش خیلی اساسی می تواند ایفا کند. باید از جلسه مجمع عمومی برای تربیت هر چه بیشتر کارگران در ایفای این نقش ه استفاده کنیم چون ممکن است رئیس یک شورای شهر بشوید و قرار باشد جلسه ای را اداره کنید که شرکت کنندگان موافق و مخالف مسلح هم هستند.

مساله مهم دیگر، نظم درون جلسه و روال کار مثر ثمر است. یک شرط با استقبال مواجه شدن جلسات مجمع عمومی، رونق داشتن بحث و جدل خلاق و علاقمندی اعضا به شرکت فعال در مجمع عمومی، این است که این مجموعه ی واقعا یک ابزار کارا کار کند. این ملزوماتی می خواهد که اگر مجمع عمومی بر ایمن جدی باشد آن را هم باید جدی بگیریم. دو جلسه شلوغ و پر همهمه و خسته کننده و بی نتیجه کافی است که حاصل کار روزها استدلال و تلاش شما برای ایجاد و تحکیم تشکل را به هدر بدهد.

رئیس جلسه خوب داشتن واقعا یک نعمت است. رئیس خوب بودن برای جلسه تصمیم گیری کمی مهارت می خواهد. آدم باید بلد باشد از موقعیتش که به او اجازه می دهد بدون اجازه حرف بزند سوء استفاده نکند، جلسه را بگرداند، وقت را به درستی میان موافقین و مخالفین پیشنهادها تقسیم کند، و بداند که تکلیف کدام پیشنهادهای زودتر باید روشن کند که پروسه تصمیم گیری به بن بست نخورد. آدم باید بلد باشد اعضای حاضر در جلسه را در مورد نحوه اداره جلسه قانع نگه دارد.

دست از کله شقی بردارید، لطفا!

در ادامه همین استدلال است که باید هر جا که گردن گذاشتن به تصمیمات اکثریت آرا ما را به زیر پا گذاشتن پرنسیپی و ادار نمی کند، دست از کله شقی برداریم، دعوا بر سر سلیقه هایمان را عمده نکنیم و اجازه دهیم کار مطابق روالی که اکثریت می خواهد پیش برود. توجه داشته باشید که در افتادن با خواست اکثریت، قیل از اینکه اثبات کرده باشم که محق هستیم، همیشه از جانب بقیه به صورت نوعی دست کم گرفته شدن فهم و شعور و قدرت تشخیص خودشان برداشت میشود. بنابراین، حتی المقدور باید از قرار گرفتن در این موضع اجتناب کنیم و هر وقت این وضعیت به ما تحمیل شد همیشه باید بدانیم که کار وسیع اقناعی در دستورمان قرار گرفته که باید از آن طریق حقانیت موضع خود و علت در افتادن خود با رای اکثریت را توضیح بدهیم و بفهمانیم. در غیر این صورت باید بیه منزوی شدن را به تن مالید.

باید از همه کارگران خواست – و این باید یک عادت همه ما باشد – که اگر مشکلی با مصوبات جلسات مجمع عمومیمان اختلاف اصولی، اختلاف پرنسیپی نداریم، به این مصوبات گردن بگذاریم، آنها را رعایت کنیم و اجازه دهیم که کارگران هر چه بیشتر مثل یک تن واحد عمل کنند. این درسته که اکثریت هم ممکن است اشتباه کند اما این هم یک حقیقتی است که در اکثر مواقع کوتاهترین راه متوجه کردن اکثریتی که دارد اشتباه می کند این است که خوب استدلالات خود را بکنیم، و بلاهایی را که در اثر این اشتباه می تواند در انتظارمان باشد را گوشزد کنیم و بعد اجازه بدهیم که اکثریت چیزی که درست میدانند را تجربه کند، و از پراکتیک خود، پراکتیکی که به موقع ما با تئوری احتمالا صحیح خود پیش بینی کرده بودیم، درس بگیرد.

ماجرای موردی بودن نمایندگان مجمع عمومی خیلی مهمه!

در عین حال باید توجه داشت که بعضی‌ها از این موردی‌ها خودشان امری متداول و مداوم هستند، مثلاً کار کردن در نقش هیئت رئیسه مجمع عمومی و شورا. ما همیشه در خارج از جلسات نیز به این افراد نیاز داریم و باید بدانیم که چه کسانی رئیس جلساتمان هستند تا مسایل و ملاحظاتی را در فاصله جلسات با آنها مطرح کنیم. رسیدگی به وضعیت ایمنی محیط کار هم ماموریتی است که تمامی بردار نیست، همیشه هیأتی جهت بازرسی کارگری باید موجود باشد که چهارچشمی مواظب سلامتی کارگر در محیط کار باشد.

منظور این است که بعضی از کارهای ما ماهیتاً تخصصی‌تر و پایدار تر هستند. بنابراین برای آنها باید آرایش پایدارتر و ترکیب مناسبی در نظر داشت. باید توجه کرد که شرط کنترل داشتن کارگران بر عملکرد نمایندگان منتخب این است که گزارش دهی نمایندگان به مجمع عمومی کاری منظم و مرتب باشد به علاوه کارگران بتوانند صحت و سقم این گزارش را از کانال‌های دیگر هم تحقیق کنند.

خاصیت موردی بودن هیات‌های نمایندگی در این است که مجمع عمومی برای انجام هر مأموریت معین بهترین‌ها را برای این کار انتخاب میکند. کسی که می‌رود تا با کارفرما بر سر لزوم افزایش دستمزد مذاکره کند الزاماً کسی نیست که در زمینه طرح و دفاع از خواست تجهیزات مربوط به ایمنی کار بیشترین توانایی و قابلیت را دارد. از طرف دیگر اگر نمایندگان مجمع عمومی برای انجام همه کارها فقط یک هیات خاص باشد کارفرما و پلیس میتوانند به آسانی آنها را متهم کنند که همه آتشها را آنها می‌سوزانند و تهدیدشان کنند. حتی به فکر بیافتند که نمایندگان کارگران را تطمیع کنند، بخرند و به سازش بکشند. مورد به مورد بودن نمایندگان این احتمال را کاهش می‌دهد.

اصل کلی ما این است که نمایندگان و ماموری که از جانب مجمع عمومی انتخاب می‌شود باید در هر جلسه قابل عزل باشد. منظور این است که کسی نتواند از نردبان کارگر صعود کند، آن بالا جا خوش کند، از طرف کارگر ببرد و بدوزد و قاطی اعوان و انصار کارفرما شود.

دمکراسی، رای، اتوریته، نظم و این حرفها...

گشت بدون اینکه از عضویت عالی‌ترین عنوان تصمیم‌گیری، همان تشکیلات نشست مجمع عمومی، بیرون رفته باشند. بنابراین اگرچه عضویت یک کارگر در شورای کارخانه نیاز به احراز هیچ شرطی ندارد، یعنی یک کارگر کارخانه به طور اتوماتیک عضو شورای کارگران است، اما همین کارگر برای اینکه عضو یکی از ارگانهای اجرایی شود باید بدواً تعهد کند که اتوریته مجمع عمومی را می‌پذیرد و به تصمیمات آن گردن می‌نهد. تخلف او تنها باعث خلع او از مکان اجرایی خواهد شد. اعضای تمامی ارگان‌های اجرایی شورا انتخابی هستند و به مجرد اینکه شورا اراده کند قابل عزل و جایگزینی هستند. روسای تمامی این ارگانها موظفند گزارش عملکرد خود را مستقیماً در جلسات شورا به اطلاع اعضای آن برسانند و شورا از طریق هیئت مدیره خود موظف است از کارهای اجرایی حسابرسی کند.

شورا خود موظف است که برای به اجرا درآوردن مصوباتش کمیته‌های اجرایی لازم را تعریف کند و اعضای آنها را از میان داوطلبین (عمدتاً یعنی موافقین و اکثریت) انتخاب کرده و آنها را با تعیین حوزه اختیارات و وظایف شان به کار بگمارد. بنابراین شورا در دل خود ارگانه‌های متعدد اجرایی متشکل از کارگران فابریک خواهد داشت که به کار تحقق بخشیدن به مصوبات شورا مشغول هستند. راس تمامی این ارگانها باز هم خود شورا - مجمع عمومی کارگران یا نمایندگان کارگران - قرار خواهد داشت. اگرچه مخالفین تصمیمات شورا عملاً می‌توانند از اتخاذ تصمیمات آن خودداری کنند اما اتوریته شورا بر ارگانه‌های اجرایی خود کاملاً یک جانبه با تمام قدرت اعمال می‌شود. هیچ ارگان اجرایی نخواهد توانست از زیر بار تبعیت از تصمیمات شورا شانه خالی کند، چرا که به مجرد آن به مثابه یک ارگان از جانب شورا منحل خواهد شد و نفقات آن از وظایفی که به آنها سپرده شده است خلع خواهند

رادیکالیسم، ماجراجویی و واقع بینی

آنچه در رابطه با سرنوشت مجامع عمومی و فعالین جنبش ارتباط حیاتی دارد این است که رادیکالیسمی که مجمع عمومی از خود بروز می‌دهد معیار سنجش درجه موفقیت یا عدم موفقیت آن نیست و نمی‌تواند باشد. کسی که حرکت توده ای یا در اینجا مجمع عمومی را وادار و تحریک کند که رادیکالیسم ای بیش از آنچه که توده های کارگر قدرت و آمادگی پیگیری اش را دارد، کسی است که دارد توده ها و حرکتشان را صرف نظر نیت خیر به قربانگاه می برد. قوانین مبارزه توده ای همیشه مبارزه علنی است و با قوانین مبارزه پارتیزانی و جنگ و گریز فرق دارد. اینجا دیگر گریز معنایی ندارد، یعنی فقط تا

جایی می شود پیش رفت که بتوان در آن جا ماند و به شمشیر زدن ادامه داد. حد پیش روی ها را فاکتور های عینی و واقعی، یعنی قوای طرفین، آرایش و آمادگی جنگی آنها تعیین

فعال جنبش مجمع عمومی باید به خوبی بداند که رادیکالیزه بیش از حد، یعنی بیش از حدی که اکثریتی کارگران آنرا قلبا متعلق به خود بدانند، و در بیرون اجتماعات کارگری، خود مدافعش باشند پیشروی در برپایی مجمع عمومی را به شکست میکشاند و رهبران رادیکال را گرفتار می سازد

می‌کند نه اراده و روحیات ما. کسی که اراده کرده است تا در این کشمکش پیروز شود و روحیه اش را نباخته است، اولین و مهمترین کارش این است که این فاکتورهای عینی موقعیتی که در آن قرار گرفته است را تشخیص بدهد و عاقلانه ترین راه ها را پیدا کند. کار یک رهبر عملی مبارزه توده فقط این نیست که توده ها را از رخوت و سستی و تسلیم اثر استیصال در آورد و به میدان بکشد، بلکه از جمله این هم هست که مانع عکس العمل کور نسبت به موقعیت شود، جلوی عصیان زدگی و ماجراجویی را بگیرد، و در عوض آن نفرت به حقی را که موجد این عصیان زدگی ها است را به مسیری هدایت کند که در خدمت رسیدن جنبش به اهدافش باشد.

فعال جنبش مجمع عمومی باید به خوبی بداند که رادیکالیزه بیش از حد، یعنی بیش از حدی که اکثریت کارگران آنرا قلبا متعلق به خود بدانند، و در بیرون اجتماعات کارگری، خود مدافعش باشند پیشروی در برپایی مجمع عمومی را به شکست میکشاند

و رهبران رادیکال را گرفتار می سازد.

باید دانست و همه کارگران هم این را باید بدانند که هیچ یک از جلسات مجمع عمومی ارزش یکبار مصرف ندارد و هر جلسه مجمع عمومی باید بتواند علاوه بر آنکه مسائل خاص که می‌خواست را پاسخ می‌دهد در عین حال حلقه‌ای قابل اتکا در زنجیره اقدامات ما برای متشکل شدن در شورای کارخانه باشد.

باید دانست که بسیاری از مسائل کارگری اصولاً نمی تواند در چارچوب فابریکی حل شود، کارگران یک کارخانه هر اندازه هم که خود را به آب و آتش بزنند، نخواهند توانست در قانون

کار را عوض کنند و دولت را به زیر بکشند. کارگران باید بدانند که اگرچه اعتراض به همه این مسائل عمده از کارخانه شروع می شود اما برای به نتیجه رسیدن تنها راه این است که آتش مبارزه در حدود معینی اما به

طور مستمر در کارخانه گرم نگه داشته شود تا امکان سرایت به کارخانه‌های دیگر را پیدا کند و کارگران در سطح عالی تر همبستگی و همسویی در شعارها و مطالبات بتوانند تحقق آنها را در دستور مبارزات سراسری خود بگذارند.

درک نکردن رابطه طرح یک خواست با نیروی بسیج شده برای مبارزه به سادگی می تواند زحمات و امیدهای کارگران را از جمله در جنبش مجامع عمومی به باد دهد. یاد دادن این مسائل به کارگران و ایجاد انسجام و وحدت اراده و وحدت عمل در مجامع عمومی از جمله دیگر وظایف محافل کارگران پیشرو و فعالین پیگیری جنبش مجمع عمومی در درون کارخانه هاست.

“چه خوب شد ما این جلسه را برگزار کردیم ...”

من در آن شرکت کردم و چه بهتر می‌شود که جلسه بعد را به شود همین هفته آینده برگزار کنیم چرا که این کار عاقبتی نتیجه خواهد داد". در حال حاضر جلسه ای که بتواند کارفرمایی را یا مامور دولتی را استیضاح کند، به توجیبات و انتظارات بی جای آنان به روشنی جواب بدهد و با صدور قطعنامه چند

سطری اظهارات استدلالات آنها را از جانب کارگران و نپذیرفتن ان اعلام دارد و لزوم حل این یا آن مسئله کارگران به طور قطع برای کارگران تاکید بگذارد و به آرامی به کار خود پایان دهد؛ از جانب همه ما و کارگران جلسه موفقیت‌آمیز

ارزیابی خواهد شد. تعریف اتفاقات آن جلسه و شیرین کاری های کارگران و بهتر برگزار کردن جلسه بعد تا یک هفته بعد موضوع بحث همه کارگران شرکت کننده خواهد شد. به این ترتیب اقبال عمومی نسبت به برگزاری منظم جلسات مجمع عمومی نضج خواهد گرفت.

به ویژه در آغاز جنبش آگاهانه مجمع عمومی یعنی دوره ای که باید تلاش کرد که هواداری از این جنبش و این شکل تشکل هرچه بیشتر در میان کارگران توسعه پیدا کند، این است که کاری کنیم که هر جلسه مجمع عمومی به نحوی رضایت بخش و امیدوارکننده برگزار شود و خاتمه یابد. این فاکتورها

همانطور که اشاره کردیم رابطه خطی و یک به یک با درجه رادیکالیزم که مجمع عمومی از خودش نشان می‌دهد ندارد. جلسه موفقیت‌آمیز مجمع عمومی به سادگی عبارت از جلسه ای است که

جلسه موفقیت‌آمیز مجمع عمومی به سادگی عبارت از جلسه ای است که گرهی از کار کارگران بگشاید، راهی جلوی پایشان بگذارد، در مورد مسئله ای روشن شان کند،

گره ای از کار کارگران بگشاید، راهی جلوی پایشان بگذارد، در مورد مسئله ای روشن شان کند، و به اینکه می‌توانند از این طریق، یعنی با اتفاق و همراهی با یکدیگر، به حل مسائل شان نزدیک شوند، امیدوار شان سازد. جلسه خوب و موفقیت‌آمیز جلسه ای است کارگرانی که از آن خارج می‌شود به خود بگویند "چه خوب که این جلسه را برگزار کردیم، چه خوب که

ما می‌خواهیم جنبش مجمع عمومی - اگر لازم است با آهستگی اما - حتماً با گام‌های استوار و محکم ابتدایی راهش را طی کند. شکی نداریم که این کار شدنی است و مثل هر کار دیگری این کار هم چم و خم های خودش را دارد و قبل از گفتن "نمی‌شود" باید در فکر پیدا کردن و یاد گرفتن آنها بود